

بیت‌الزینب

توسعه شایسته تفکری در کودکانها

نویسندگان:

آلیس پیج - اس -

آنا کرافت

مترجم: زینب محمدی

سرشناسه : پیج - اسمیت، آلیس
Paige-Smith, Alice

عنوان و نام پدیدآور : توسعه شیوه تفکری در کودکان/ نویسندگان آلیس پیج -

اسمیت، آنا کرافت؛ مترجم زینب محمدی.

مشخصات نشر : تهران : انتشارات علوم بنیادی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۲۳۶ ص: مصور، جدول، نمودار.

شابک : 978-600-94225-0-0 ۱۴۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیا:

عنوان اصلی: Developing reflective practice in early years

یادداشت : نمایه

موضوع : مربیان کودکان.

موضوع : روش قبل از مدرسه.

شناسه افزوده : کرافت، آنا، ۱۹۶۱-م.

شناسه افزوده : Paige-Smith, Alice
محمد زینب، ۱۳۶۲-، مترجم

شناسه افزوده :

رده بندی کنگره : ۱۳۹۳-۲۱۷۷ LB

رده بندی دیویی : ۲۱/۳۷۲

شماره کتابخانه ملی : ۳۴۹۸۰۹۸

توسعه شیوه تفکری در کودکان

نویسنده: آلیس پیج - آنا کرافت

مترجم: زینب محمدی

ویراستار: هدیه افشار

سال چاپ: ۱۳۹۳

تعداد صفحه: ۲۳۶ / نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۲۵-۰-۰ ISBN: 978-600-94225-0-0

این اثر مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۲۸ و قانون ترجمه تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نشر پخش و یا مصوب ۱۳۵۰ است و کلیه حقوق چاپ و نشر و پخش و تکثیر بهر صورت (اعم از ذخیره رایانه‌ای و یا جزوه و کپی) محفوظ و مخصوص ناشر است و نشر و پخش

و یا هرگونه کپی برداری و نقل مطالب از تمام یا قسمتی از این اثر بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

سخن ناشر

وقتی پا به عرصه‌ی زندگی می‌گذاریم، کنجکاوی و قدرت تعقل و یادگیری به کمک ما آمده و همراه با غرایز و نیازهای بشری در رشد و شکوفایی ما تاثیرگذار می‌شوند. هرچه توانایی برآورد مشکلات و استفاده از تجارب گذشته بیشتر می‌شود، مسایل زودتر و با کیفیت بهتر، قابل حل می‌گردد و هرچه زمان برآورد برای حل مشکلات طولانی‌تر شود، تاثیر عوامل دیگر نمایان‌تر می‌گردد. آنچه مسلم است این‌که، گاهی با حل شدن مشکلات ما، فقط عادت همراه با روزمرگی را ادامه می‌دهیم و مسالمت‌آمیز با همان مشکلات سال‌ها زندگی می‌کنیم.

امروزه در تمام جوانی، جوانان که قدرت انتقادگری و شور سازمان‌دهی و جسارت خطرپذیری در جوانی موج می‌زند، هرگاه به محیط جدیدی وارد می‌شوند، می‌خواهند دست به اصلاحات زده و در کمترین زمان همه مسایل را حل و فصل نمایند؛ اما در بعضی از این جوانان و متأسفانه بعضاً در جامعه امروزی ما، همان جوان عمری را سپری کرده و اهمیت باره گرفتار روزمرگی می‌شود و همان کاری را انجام می‌دهد که دیگران انجام می‌دادند.

این‌که انسان در گذر عمر، قدرت سازگاری و تعامل با سلیقه‌های مختلف را پیدا می‌کند یک حرف است و این‌که در مقابل مشکلاتی که نیاز به کمی کوشش دارند و قابل رفع هستند زانوی تسلیم به زمین می‌زند، بحث دیگری است. راستی چرا نیروها و انگیزه‌های جوانی و ذهن جست‌وجوگری که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته، بیشتر به فراموشی سپرده می‌شود؟ چرا فقط بعضی از افراد کسل‌بار می‌نشینند و اغلب جوانان ما وقتی وارد عرصه‌های اجتماعی بزرگ‌تر می‌شوند، فقط از روی دست دیگران نگاه می‌کنند؟ چرا همیشه محیط کار، کارگاه، کارخانه، بیمارستان، دانشگاه، محیط پژوهشی، نهاد فرهنگی، ورزشگاه و حتی خانواده‌ها با چشم نیم‌چشمی و الگوبرداری از اطرافیان، با یک پیشرفت لاک‌پشتی روزگار می‌گذرانند؟ شاید بتوان گفت دلیلش این است که کودک ما، همان نهال کوچک دیروز و جوان به بار نشسته‌ی امروز، در بستری نه چندان مرغوب رشد کرده باشد. هر آنچه بر شیوه و کیفیت تفکر ما اثرگذار است (تربیت خانواده، محیط تحصیلی، محیط فرهنگی و آموزشی، اقوام و دوستان و مرییان و...) همگی بستری را برای یادگیری کودک فراهم می‌سازند و این از همان روزهای اول زندگی شروع می‌شود. امروزه پدر و مادر و مربی از همان ابتدا

فقط با روش‌هایی که کودک را از خطرات و بحران نجات می‌دهند، از وی مراقبت کرده و خود را به آماده‌کردن تمام امکانات رفاهی و بهداشتی و حتی تفریحات ساختگی محدود کرده‌اند. فرض آن‌ها این است که به دردرسش نمی‌ارزد که کودکان با شرایط مختلف دست و پنجه نرم کرده و همه‌ی جوانب شکوفایی را با تمام وجودشان درک نمایند؛ لذا تصور می‌کنند همان‌قدر که کودک ذاتا کنجکاو است و می‌خواهد همه چیز را بداند، به اندازه‌ی کافی دردرس دارد که ما بخواهیم توجه او را به موارد دیگر پیرامونش جلب کنیم و بی‌جهت خود را در بن‌بست سوال‌ها و جواب‌های انتزاعی گرفتار کنیم. پدر و مادر تصور می‌کنند تلویزیون و اینترنت بی‌حد و حصر چشم‌فشان را کاملاً باز کرده و دردرس ما والدین بیشتر شده است پس دیگر چه لزومی دارد که اطلاعاتش را افزایش دهیم؟

متأسفانه همه کودکان با اطلاعات امروزی، در نوجوانی و جوانی قادر به حل یک بحران کوچک نیستند و به زودی با کوچک‌ترین مشکلی کم می‌آورد؛ چرا که او تنها «می‌داند» ولی نمی‌اندازد. او می‌داند ولی تحلیل نمی‌کند. دستان قوی او با یک ضربه، تمام سنگ‌های پرتاب شده را خرد می‌کند ولی فقط همان سنگ‌های مرتب شده توسط مربی را !!

او اصلاً قادر به مرتب کردن سنگ‌ها نیست. راحتی تمام پل‌های پشت سر خود را در روابط با دیگران خراب می‌کند. بی‌سبب‌گاه نمی‌تواند پل جدیدی بسازد. برای این‌که در گروه همسالان پذیرفته شود، شکسته‌نظمی می‌کند. بسیار «چشم» می‌گوید ولی قادر به گفتن یک «نه» نیست!

متأسفانه روش‌های ضعیف حمایتی ما، که ذاتاً استبداد را از بین می‌برند، بر شیوه‌ی تفکر و یادگیری کودک امروز که جوان توانمند فردا است، اثرگذار است. بچه‌های ما روش‌های حل مساله را با هم تمرین نمی‌کنند، با یکدیگر تعارض ندارند، مربی به حرف‌های آن‌ها گوش نمی‌دهد و فقط با آن‌ها مهربان است. در آن‌ها حتی یاد نمی‌گیرند که حرف یکدیگر را خوب گوش دهند. چارچوب قوانین آموزشی و تربیتی ما به گونه‌ای است که فرزندانمان را به تفکر ترغیب نمی‌کند. بی‌اهمیت‌ترین اوقات آموزشی‌مان، کلاس‌های انشا و نقاشی و ورزش است. اصلاً مشکلی مطرح نیست که بچه‌ها پیرامون آن فکر کنند و قلم بزنند و رقابت کنند. بچه‌ها سیاست‌زده‌تر از آن هستند که ترجیح دهند کار دستی و تکالیف‌شان را با زحمت و فکر خود درست کنند و نمره کمتری از آن‌چه پدر و مادر برای‌شان درست می‌کنند بگیرند. و مربی خسته‌تر از آن هست که به جای تشویق، دست‌پخت والدین را به جای بچه قبول نکند. بچه‌ها می‌ترسند در معرض قضاوت قرار بگیرند و یاد گرفته‌اند فقط با تبرئه‌کردن، خود را از

خطرات احتمالی نجات دهند و متأسفانه مربی و والدین هم ترسو تر از این هستند که مشکلی به چالش کشیده شود؛ لذا لازم است کار دسته جمعی شروع شود و کمی با سرب سر هم گذاشتن، ترس ها ریخته شود. این ترس ها نیز آموخته های آموخته شده ی جامعه ی امروزی ماست!!

چه باید کرد؟ از کجا شروع کنیم؟ این خمیرمایه ی وجودی شکل گرفته است. از چه جایی باید به «تبارک الله احسن الخالقین» لیبیک گفت؟

آنچه پیش روی شماست، ترجمه ی کتاب «توسعه شیوه ی تفکری در کودکان ها» است. هدف از ترجمه و نشر آن، آشنایی مربیان مهدکودک های کشور، با تجارب اساتید است که سالیان متمادی مشاهدات خود را از رفتار کودکان ثبت نموده اند.

این کتاب، بعضی از روش هایی را که مربیان کودکان، می توانند به وسیله ی آن ها درباره ی عملکرد خود، فکر و تأمل کنند، مورد بررسی قرار می دهد. هر چند که این کتاب برای هر فردی مفید است، ولی مخاطبان در اصل مربیان هستند، که در مکان هایی همچون مراکز کودکان، مهدکودک ها و مدارس با کودکان زیر ۸ سال کار می کنند، مفید است.

به نظر می رسد هنوز کودکان کشور ما شفاف نشده اند؛ لذا برای کشف این معادن، به تلاش بیشتر نیاز است. مربیان عزیز، کودکان را باید با مشاهده ی دقیق رفتار کودکان و ثبت و تحلیل آن، پی به تفکرات آن ها ببرید تا فرآیند آموزش را ارتقا دهند.

انتشارات علوم بنیادی، وظیفه ی خود می داند در این مسیر تلاش کند تا در اندک زمان، نتایج تحقیقات حاصل از مربیان کشورمان را، در اختیار ولیای این معادن قرار دهد تا آن ها بدانند کودکان شان چگونه می اندیشند، چه دغدغه ها دارند و به چه توانمندی هایی می توانند دست پیدا کنند و در نهایت بدانند چه مرواریدها را اختیار دارند.

در خاتمه بر خود فرض می دانم که از تلاش های مترجم محترم سرکار خانم مهندس زینب محمدی مترجم توانا و همچنین ویراستار محترم سرکار خانم به افشار و همچنین سرکاران محترم خانم یکتا آهین مشیت و خانم لیلا بهرامپوری مدیریت محترم انتشارات بعثت آقای محسن میقانی و آقایان دکتر ابوالفضل محمدی و مهدی صولتی که انتشارات علوم بنیادی را در آماده سازی این اثر ارزشمند یاری نمودند کمال قدردانی را نمایم.

فهرست

۳	 سخن نااش
۹	 مطالبی در مورد مولفان
۱۵	 پیش گفتار
۲۳	 سپاسگزاری
۲۵	 مقدمه
۳۳	 بخش اول
۳۳	 یک مربی متفکر چه کارهایی انجام می‌دهد؟
۳۵	 مقدمه بخش اول
۳۷	 ۱
۳۷	 تفکر درباره‌ی عملکرد به چه معناست؟
۵۱	 ۲
۵۱	 توسعه‌ی شیوه‌ی تفکری
۶۹	 ۳
۶۹	 بحث پیرامون مساله رهبری: نقش‌ها و مسئولیت‌های متخصصان
۸۹	 بخش دوم
۸۹	 شیوه‌ی تفکری، چگونه کار با کودکان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد؟
۹۱	 مقدمه بخش دوم
۹۳	 ۴
۹۳	 رشد اجتماعی و عاطفی کودکان
۱۱۲	 ۵
۱۱۲	 شامل‌سازی و نقش کودکان‌ها در این رابطه: نگرش شما چیست؟
۱۲۸	 ۶
۱۲۸	 خلاقیت و نقش کودکان‌ها در این رابطه
۱۴۴	 ۷
۱۴۴	 گوش دادن به خردسالان: اظهارات، معانی و برداشت‌های متعدد
۱۶۱	 بخش سوم

۱۶۱	شیوه پیشرو: جامعه‌ی متخصصان متفکر
۱۶۳	مقدمه بخش سوم
۱۶۵	۸
۱۶۵	کار چند گروهی: حرف یا واقعیت؟
۱۸۷	۹
۱۸۷	شیوه‌های تفکری خانواده‌محور: دیدگاه‌های والدین و مداخله‌ی زودهنگام
۲۰۴	۱۰
۲۰۴	پیشرفت حرفه‌ای از طریق شیوه‌ی تفکری
۲۱۴	۱۱
۲۱۴	تفکر: ایجاد یک جامعه همفکر
۲۲۵	پی‌نوشت: ۱
۲۲۵	شیوه‌ی تفکر: دموکراسی در کودکانها

مطالبی در مورد مولفان

نایما براون یک مشاور مستقل است که در زمینه‌ی کودکان پیش‌دبستانی فعالیت می‌کند. وی به مدت چندین سال، در مهدکودک‌ها و مدارس شهر لندن تدریس نموده و به عنوان یک معلم مشاور، در زمینه‌ی دو زبانی و فرصت‌های یک‌سان، برای خردسالان فعالیت می‌راند. او برای ۱۵ سال استادیار دانشگاه^۱ بوده و در این مدت، به آموزش و مربی‌گری در مقطع پیش‌دبستانی و ابتدایی، آموزش رشته‌های تخصصی مربوط به خردسالان، مقطع فوق‌لیسانس و کمک به توسعه این رشته‌ها، و راهنمایی دانشجویان مقطع دکتری پرداخته است. نایما، به عنوان یک مشاور خردسالان، از آن دسته متخصصان کودکان است که در زمینه‌های مختلف فعالیت کرده و در کنفرانس‌های مرتبط با مسایل خردسالان، جلسات آموزشی برگزار می‌کنند، حمایت نموده و آن‌ها را آموزش می‌دهد. به تازگی مربیان منطقه ساوث وارک^۲ که شیوه‌های برخورد با مراحل گذار (انتقال) را در داخل و خارج از کودکان‌ها توسعه می‌دهند، مورد حمایت وی، قرار گرفته‌اند. وی همچنین یک بسته آموزشی ارائه داده است، که به مربیان کمک می‌کند تا درباره‌ی ابعاد مختلف مرحله‌ی گذار، نظر کنند. نایما یک پژوهشگر فعال، در زمینه‌ی کودکان پیش‌دبستانی بوده و تالیفات وی در کتاب‌ها و نشریات تخصصی و علمی مختلفی چاپ شده‌اند. برخی از آثار وی عبارتند از «توسعه‌ی سوادآموزی در خردسالان»^۳ (انتشارات دانشگاه آبن^۴، ۱۹۹۰) و «برابری جنسی در خردسالان»^۵ (انتشارات دانشگاه آبن، ۲۰۰۴).

۱ - Naima Browne

۲ - lecturer

۳ - Southwark

۴ - Young Children's Literacy Development

۵ - Open University Press

۶ - Gender Equity in the Early Years

آنا کرافت که زمانی معلم مقطع ابتدایی بود، هم‌اکنون استاد علوم تربیتی در دانشگاه‌های اکستر^۷ و اُپن است. او همچنین در دانشگاه متروپولیتن لندن^۸ در زمینه برنامه‌ریزی درسی با شورای ملی برنامه آموزشی^۹ همکاری کرده و به مدت چهار سال در دانشگاه هاروارد، پژوهشگر مهمان بوده است. وی در حال حاضر در مقاطع پایه، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا تدریس نموده و به‌ویژه، خلاقیت و آموزش آتی در خردسالان و دانش‌آموزان مقطع ابتدایی را، مورد توجه قرار می‌دهد. او دبیر و موسس نشریه «ابتکار و مهارت‌های تفکر»^{۱۰} و رییس «گروه ویژه انجمن تحقیقات آموزشی انگلستان: «خلاقیت در آموزش»^{۱۱} می‌باشد. آنا چندین پروژه تحقیقاتی درباره‌ی خلاقیت و آینه آموزشی را، رهبری می‌کند. این پروژه‌ها مبتنی بر مشارکت متفکرانه کودکان و بزرگسالان می‌باشد. وی کتاب‌های بسیاری را تالیف و یا ویرایش کرده است. برخی از جدیدترین کتاب‌ها عبارتند از: «خلاقیت در مدارس: تنش‌ها و معضله‌ها»^{۱۲} (روتلیج، ۲۰۰۵)، «آموزش خلاقانه ۳-۱۱ و نحوه‌ی مستند کردن آن»^{۱۳} (ترنتم، ۲۰۰۷) که توسط ترزا کرمین^{۱۴} و جان برنارد^{۱۵} ویرایش شده است و «خلاقیت، خردمندی و امانت داری»^{۱۶} (انتشارات کوربن، ۲۰۰۷) که توسط هووارد گاردنر^{۱۷} و گای کلکستون^{۱۸} ویرایش شده است.

مایکل کرافت^{۱۹} یک متخصص است. در زمینه‌ی ترویج بهداشت و سلامت عموم است، بیش از ۴۵ سال در انگلستان، یوگوسلاوی سابق و هندوستان، با کودکان زیر ۵

۷ - Exeter University

۸ - London Metropolitan University

۹ - National Curriculum Council

۱۰ - Thinking Skills and Creativity

۱۱ - British Educational Research Association Interest Group, Creativity in Education

۱۲ - Creativity in Schools: Tensions and Dilemmas

۱۳ - Routledge

۱۴ - Creative Learning 3-11 and How We Document it

۱۵ - Teresa Cremin

۱۶ - Pam Burnard

۱۷ - Creativity, Wisdom and Trusteeship

۱۸ - Corwin Press

۱۹ - Howard Gardner

۲۰ - Guy Claxton

۲۱ - Michael Craft

سال و نوجوانان زیادی، کار کرده است. او در دانشگاه‌های گرینویچ^{۲۲} (که در آن‌جا به‌طور مشترک، طرح یک مدرک جدید در رشته‌ی بهداشت عموم را ارائه داد)، لندن و کمبریج، در انجمن‌های محلی و منطقه‌ای سرویس بهداشت ملی^{۲۳}، به‌عنوان پژوهشگر و مدرس فعالیت کرده است. وی همچنین از مدیران یک موسسه خیریه، که از کودکان تحت فشار عاطفی حمایت می‌کند، بوده است. مایکل به‌مدت ده سال، مدیریت یک پروژه پیرامون آموزش بهداشت جامعه محور، در کمبریج را به‌عهده داشته و علاوه-برآن، رئیس یک مرکز آموزش مراقبت‌های اولیه (وابسته به سرویس بهداشت ملی) در لندن غربی، بوده است. پس از پروژه‌ی مذکور، وی از طرف یکی از واحدهای سرویس بهداشت ملی، به آموزش افراد بی‌خانمان، پناهجویان و پناهندگان در جنوب لندن، مشغول شد. وی به عضویت گروه ارزیابان برنامه مدارس ملی سالم^{۲۴}، درآمده و یک پروژه‌ی منجر به فرد در زمینه‌ی ترویج بهداشت را در مدارس ابتدایی شهر دهلی، راه‌اندازی نمود. مایکل به‌تازگی، مدیر بزرگ‌ترین برنامه‌ی «شور استارت»^{۲۵} در منطقه‌ی هارینگگی شهر لندن بوده است. در حال حاضر رییس دو بیمارستان، سرویس بهداشت ملی در لندن و یکی از اعضای کمیته‌ی اخلاق پژوهی سرویس بهداشت ملی، می‌باشد.

کارولین جونز^{۲۶} یک معلم سابق مکتب ابتدایی است. او برای چندین سال به‌عنوان مشاور تحصیلی در داخل و خارج از کشور فعالیت نمود. وی هم‌اکنون در دانشگاه واریک^{۲۷}، به‌عنوان مشاور در زمینه‌ی توسعه‌ی نیروی کار در کودکان فعالیت می‌کند. کارولین در دانشگاه‌های اپن و واریک، در آموزش دوره‌ی کارشناسی به مربی‌گری خردسالان مشارکت می‌کند. وی مولف کتاب «حمایت از شمول‌سازی در کودکان»^{۲۸} (انتشارات دانشگاه اپن، ۲۰۰۴)، می‌باشد. او هم‌اکنون در تألیف کتاب پیرامون رهبری

۲۲ - Greenwich University

۲۳ - National Health Service (NHS)

۲۴ - National Healthy Schools programme

۲۵ - Sure Start؛ شور استارت، یک برنامه دولتی برای بچه‌های خانواده‌های کم درآمد و فقیر است. هدف برنامه این است که بر اساس منطقه و کدپستی خانه‌ها، خانواده‌های کم درآمد را شناسایی کند و برای کودکان برنامه‌های آموزشی در سطح استاندارد بالا ترتیب دهد تا به این وسیله به رشد تحصیلی و آموزشی این طبقه کمک کند و آمار جرم و بزهکاری را در آن‌ها پایین بیاورد - مترجم.

۲۶ - Caroline Jones

۲۷ - University of Warwick

۲۸ - Supporting Inclusion in the Early Years

و مدیریت در کودکانها (انتشارات دانشگاه اپن)، همکاری می‌کند. کارولین، توجه خاصی به نیازهای ویژه‌ی آموزشی داشته و صاحب چندین مهدکودک روزانه در منطقه‌ی میدلندز^{۲۹}، می‌باشد.

آلیس پیچ - اسمیت، استادیار رشته‌ی علوم تربیتی در دانشگاه اپن است. وی صاحب کرسی رشته مربی‌گری خردسالان در مقطع پایه و استاد راهنمای دانشجویان رشته‌ی علوم تربیتی، در مقطع دکترا می‌باشد. آلیس در مکان‌های مختلف از جمله مدارس ویژه و مدارس عالی، به‌عنوان معلم خردسالان فعالیت کرده است. او در زمینه‌ی آموزش فراگیر، کسرت حرفه‌ای مربیان خردسالان، مداخله‌ی زودهنگام و همکاری والدین، تحقیقاتی را انجام داده و نتایج آن‌را منتشر کرده است.

لیندا پوند^{۳۰}، سه دانشگاه مختلف فعالیت نموده و به‌طور حدودی، به‌مدت ده سال، بازرسی آلیس محلی^{۳۱} و علاوه‌براین، مدیر یک کودکان و معاون یک مدرسه ابتدایی نیز بوده است. وی در حال حاضر، به‌عنوان مشاور تحصیلی، مربیان خردسالان داخل و خارج کشور را آموزش می‌دهد. او همچنین، ارزیاب برنامه‌ی «صلاحیت تخصصی ملی، در مدیریت مراکز خدمات ادغام‌یافته»^{۳۲} بوده است. مخاطبان کتاب‌های لیندا، افراد مختلفی هستند - جدیدترین کتاب وی، «کمک به پیشرفت ریاضیاتی در کودکانها»^{۳۳} (انتشارات دانشگاه اپن، ۲۰۰۶، ویرایش دوم) می‌باشد. اصلی‌ترین موضوعات مورد توجه لیندا عبارتند از: یادگیری و برنامه آموزشی در کودکانها.

مایکل رید^{۳۴}، معلم مدرسه و استادیار دانشگاه اپن است. وی یک مهدکودک بزرگ روزانه را تأسیس و بیش از ۱۷ سال، آن‌را به‌طور موفقیت‌آمیزی اداره نمود. او همچنین بنیان‌گذار یک شرکت مشاوره تحصیلی و یک مرکز مشاوره آموزشی، که به مربیان کمک می‌کند، تا صلاحیت‌های شغلی لازم برای مراقبت از خردسالان و آموزش آن‌ها را به‌دست آورند، می‌باشد. مایکل بر روی چندین پروژه برای دانشگاه اپن کار کرده و عضو گروه مولفان کتاب‌های درسی دوره پایه‌ی مربی‌گری خردسالان، بوده

۲۹ - Midlands

۳۰ - Linda Pound

۳۱ - Local Education Authority (LEA)

۳۲ - National Professional Qualification in Integrated Centre Leadership (NPQICL)

۳۳ - Supporting Mathematical Development in the Early Years

۳۴ - Michael Reed

است. وی آثار مختلفی را به رشته تحریر درآورده و به تازگی برنامه‌ی «صلاحیت تخصصی ملی در مدیریت مراکز ارائه‌دهنده‌ی خدمات ادغام‌یافته» و دوره پایه‌ی مربی-گری خردسالان را در دانشگاه وُستر^{۳۵}، آموزش داده است. مایکل در منطقه‌ی هرfordshire^{۳۶} زندگی می‌کند.

جاناتان ریکس^{۳۷}؛ استادیار دروس شامل‌سازی، برنامه‌ی تحصیلی و آموزش در دانشگاه این، مولف کتاب‌های درسی و صاحب کرسی رشته‌ی تخصصی خردسالان، می‌باشد. وی در محیط‌های مختلف، در زمینه‌ی آموزش، فعالیت‌هایی داشته است. جاناتان به مدت ۱۳ سال، در دبیرستان هکنی^{۳۸} معلم پشتیبان^{۳۹} بوده و علاوه بر آن، با گروه‌های هنری، در نواحی مختلف انگلستان، همکاری کرده است. او در زمینه‌ی تاتر در آموزش^{۴۰} فعالیت‌هایی را انجام داده است. به عنوان رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و مولف راهنماهای صحنی گدشگران، جوایزی را کسب نموده و همچنین، در تالیف دو کتاب، درباره‌ی تاریخ تاتر، مشارکت کرده است. جاناتان، سمت مشاور علمی دو مجموعه مستند، به نام‌های «مدرسه»^{۴۱} و «هیچ کس سالم نیست»^{۴۲} که توسط دانشگاه این و بی‌بی‌سی، تهیه شده بود را، به عهده داشته است. وی ۵ سال در گروه بازی «تیگز»^{۴۳} در بالکومب^{۴۴}، سال گذشته و اکنون عضو هیات ریسه انجمن ملی پورتیج^{۴۵}، می‌باشد. جاناتان درباره‌ی دکترالدین درخصوص مداخله‌ی زود هنگام پژوهش‌هایی را انجام داده و به عنوان مشاور برای وزارت آموزش و مهارت^{۴۶}، کار کرده است. او همچنین درباره‌ی آموزش فراگیر تحقیق نموده و موضوع ورود افرادی

۳۵ - University of Worcester

۳۶ - Herefordshire

۳۷ - Jonathan Rix

۳۸ - Hackney Secondary School

۳۹ - support teacher: کسی که به معلم در امر آموزش و به دانش‌آموزان در امر یادگیری کمک می‌کند. م. پشتیبان به والدین دانش‌آموزان نیز مشاوره می‌دهد- مترجم.

۴۰ - theatre-in-education: تیاتر در آموزش، ترکیبی از تیاتر و نمایش خلاق است. در این نوع تیاتر، بازیگران/ بازیگران و معلم/ معلمان به اجرای نمایش، برای دانش‌آموزان می‌پردازند. این نمایش به دانش‌آموزان کمک می‌کند، تا مفاهیم را بهتر یاد بگیرند- مترجم.

۴۱ - School Day

۴۲ - Nobody's Normal

۴۳ - Tiggers Playgroup

۴۴ - Balcombe

۴۵ - National Portage Association

۴۶ - Department for Education and Skills

که دچار اختلال در یادگیری هستند، به مکان‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی را، مورد بررسی قرار داده است. وی عضو هیات امنای مرکز ریکس، در دانشگاه لندن شرقی^{۴۷}، می‌باشد.

الیزابت وود^{۴۸}، استاد رشته‌ی آموزش خردسالان، در دانشگاه اکستر است. او به مدت ۸ سال، در کودکانها تدریس نموده و ریاست مهدکودک، یک مدرسه ابتدایی را نیز، به عهده داشته است. الیزابت، مدیر برنامه‌ی مدرک کارشناسی‌ارشد در رشته آموزش و پرورش^{۴۹} بوده است. چندین درس کارشناسی‌ارشد و دکترا را تدریس نموده و در پژوهش‌های مدرسه محور، در جنوب غرب انگلستان و ولز، مشارکت دارد. برخی از موضوعات پژوهشی مورد علاقه وی، عبارتند از: نقش بازی در آموزش؛ شیوه و دانش محصلی کودکان؛ برنامه درسی، مربی‌گری و ارزیابی در آموزش خردسالان و مباحث سیاسی برای کتاب‌های بسیاری در این زمینه‌ها، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، منتشر شده است، از جمله: «کتاب آموزش خردسالان، روتلج فالمر»^{۵۰} (انتشارات روتلج فالمر ۲۰۰۸)، «بازی، یادگیری و برنامه آموزشی خردسالان»^{۵۱}، با همکاری جی. آتفیلد^{۵۲} (انتشارات نیل چپمن^{۵۳}، ۲۰۰۵) و «آموزش از طریق بازی: تفکر معلمان و شیوه‌ی کلاس‌داری»^{۵۴} با همکاری بنت و ایس. راجرز^{۵۵} (انتشارات دانشگاه اپن، ۱۹۹۷).

۴۷ - University of East London

۴۸ - Elizabeth Wood

۴۹ - Postgraduate Certificate in Education

۵۰ - The Routledge Falmer Reader in Early Childhood Education

۵۱ - Play, Learning and the Early childhood Curriculum

۵۲ - J. Attfield

۵۳ - Paul Chapman Press

۵۴ - Teaching Through Play: Teachers' Thinking and Classroom Practice

۵۵ - N. Bennett & S. Rogers

پیش‌گفتار

پیتر ماس^۱

با مطرح شدن موضوع آموزش خردسالان و مراقبت از آن‌ها، با گزینه‌های مهمی در خصوص خدماتی که می‌بایست به کودکان ارائه شوند، مواجه می‌شویم. برخی از گزینه‌ها به شناخت و آموزش کودکان، موسسات نگهداری از خردسالان و کارکنان این موسسات مربوط می‌شوند. این گزینه‌ها حایز اهمیت می‌باشند، زیرا موجب تعیین سیاست‌های مرتبط و تأسیس خدمات مورد نیاز کودکان، می‌گردند. اگر، برای مثال، کودکان را مکانی برای ایستادن یکسری تکنولوژی، جهت رسیدن به نتایج از پیش تعیین شده بدانیم، آن‌گاه کارکنان کودکان، تکنیسین‌هایی خواهند بود که می‌بایست روندهای از قبل تعیین شده را دنبال کنند. ممکن شوند که تکنولوژی‌ها، به شکلی موثر اجرا شده و نتایج مورد نیاز، عیناً حاصل می‌گردند.

ولی ما - به عنوان اعضای جامعه‌ی مربیان، اعضای جامعه محلی و یا مردم جامعه، می‌توانیم تصمیم بگیریم که شناخت یا تصور دیگری از نگهداری از خردسالان، داشته باشیم. برای مثال، می‌توانیم کودکان را مکانی برای آموزش و گفت‌وگو و تبادل افکار بدانیم که «در آن‌ها کودکان و بزرگسالان به هم می‌آمیزند و یکدیگر، در پروژه‌هایی که اهمیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارند مشارکت می‌کنند» (دالبرگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۳). برخی از نتایج این پروژه‌ها، ممکن است، از پیش تعیین شده باشند، ولی مابقی لزوماً این گونه نیستند. بنابراین، یک کودکان نه تنها مکانی برای گردهمایی و گفت‌وگو، بلکه کتابخانه و اتاق کار نیز، می‌باشد که می‌تواند چیزهای غیرمنتظره، جدید و شگفت‌انگیز به وجود آورده و پندارهای قبلی، هنجارها و رده‌بندی‌های مان را به چالش بکشد؛ یعنی همه چیزهایی را که به ما حکم‌فرمانی می‌کنند و توقعاتمان از خود و سایرین را محدود می‌سازند.

۱ - Peter Moss

۲ - Dahlberg

آلدو فورتوناتی^۳، با استفاده از سالیان سال تجربه آموزشی در توسکانی، توصیفی واضح از پرسنل کودکانهای اینچنینی، ارائه می‌دهد:

[مربی خردسالان می‌بایست] بیشتر به ایجاد فرصت‌ها، توجه داشته باشد تا به دنبال کردن اهداف از پیش تعریف‌شده... [او باید] از مغالطه قطعیت فاصله گرفته، [در عوض] مسئولیت انتخاب، آزمایش، مباحثه، تفکر و تغییر را به‌عهده بگیرد. به‌جای پیگیری نتایج، سازمان‌دهی فرصت‌ها را مورد توجه قرار دهد و لذت شگفتی و تعجب را در کار خود حفظ کند. (فورتوناتی، 2006: 37).

بسیاری جهات، مربی مورد نظر فورتوناتی را می‌توان موضوع این کتاب دانست: یک کاررزمفکر و متخصص، با مربیانی که همچون تکنیسین‌ها کار می‌کنند، تضاد چشمگیری دارد. کتاب حاضر، با بررسی شیوه تفکری و عملکرد مربیان متمرکز، به پیشرفت بحث دربارۀ روندی که آموزش خردسالان و مراقبت از آن‌ها، در آینده طی خواهد کرد، کمک می‌کند.

از نظر این‌جانب، مفهوم شیوه تفکری که الهام گرفته از تئوری‌ها و روش‌های آموزشی «رجیو امیلیا» - رویکردی با اهمیت جهانی که تعدادی از مولفین کتاب حاضر، به آن اشاره نموده‌اند -^۴ شد، یک فرآیند معناسازی دقیق است؛ فرآیند مستمر ایجاد تئوری‌هایی درباره‌ی جهان آفرینش این تئوری‌ها از طریق گفت‌وگو و گوش‌دادن و سپس از نو مطرح کردن سوالات - چیزی که در رویکرد رجیو، «آموزش گوش‌دادن» نامیده می‌شود و هم برای کودکان مهم برای بزرگسالان، کاربرد دارد. آموزش گوش‌دادن، فقط فرآیندی وابسته به طرزتربیت شخصی و جانب‌دارانه است، زیرا، همان‌طور که کارلینا رینالدی^۵ می‌گوید: «هیچ دیدگاه واقع‌بینانه [عاری از تعصب و منصفانه‌ای وجود ندارد که بتواند مشاهده را بی‌طرفانه سازد». البته، کارولینا این‌را نیز به ما یادآوری می‌کند که این یک نقطه‌ی قوت نیست، زیرا یک محدودیت: «ما گاهی اوقات از جانب‌داری می‌ترسیم، زیرا جانب‌داری به‌معنای پذیرفتن مسئولیت است.

۳ - Aldo Fornatelli

۴ - Reggio Emilia؛ رویکردی که در آن، تعلیم و تربیت بر پایه‌ی شنیدن استوار است و مرکز آموزشی به‌عنوان سیستمی از تعاملات انسانی تعریف می‌گردد. در رویکرد رجیو امیلیا، کودک به‌عنوان دارنده‌ی حق، سازنده‌ی دانش، پژوهشگر و موجود اجتماعی شناخته می‌شود و کنجکاوی و پرسش‌های کودکان سرآغاز پروژه‌هایی برای یادگیری هم برای کودک و هم برای آموزگار است. «شنیدن» قلب این رویکرد است، که استعاره‌ای است، از دور شدن، از قالب‌های ذهنی پیش‌ساخته شده و آماده‌شدن برای یادگیری. در این رویکرد آموزگار نقش تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده دارد، هم آموزگار و هم والدین، کودک را در یادگیری «همراهی» می‌کنند، این سبب می‌شود که همه در فضای یادگیری قرار بگیرند و جامعه‌ای یادگیرنده، به‌وجود آید.

۵ - جهت مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی رویکرد رجیو امیلیا، به جیودیچی (Giudici)، کرچفسکی (Krechevsky) و رینالدی (2001)، رینالدی (2006) و دالبرگ، ماس و پنس (Pence) (2007)، مراجعه کنید.

۶ - Carlina Rinaldi.

بنابراین، تلاش ما برای رسیدن به بی‌طرفی، اغلب، نتیجه‌ی ترس از به‌عهده گرفتن مسئولیت است» (رینالدی، 2005: 128).

تفکر نیز، یک فرآیند محاوره‌ای است. گاهی اوقات ممکن است با خودمان مکالمه کنیم، نه با دیگران - چیزی که رینالدی آن را «گوش دادن به خودمان» می‌نامد. (رینالدی، 2006: 65). ولی در بسیاری از مواقع، فرآیند تفکر شامل ارتباط با دیگران، گوش دادن به حرف‌های آن‌ها و گوش دادن آن‌ها به حرف‌های ما، می‌شود. تفکر، همان‌طور که در این کتاب آمده است، چیزی است که باید به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های یک «جامعه همفکر»، صورت گروهی تمرین شود. رینالدی همچنین به ما یادآوری می‌کند که مکالمه می‌تواند و باید چیزی بیش از تبادل دیدگاه باشد: مکالمه قابلیت تغییر شکل را دارد... وقتی به صورت عملی، شانس کنترل نتیجه‌ی نهایی را از دست می‌دهید (2005: 184). بنابراین، موضوع در حال پیدایش عبارت است از: قابلیت شیوه‌ی تفکری در باز کردن قید و بندهای این نیروی محدودیت‌هایی که «خرد متعارف»^۷ ایجاد می‌کند و مواجه کردن مرییان با دیدگاه‌های جدید، احتمال‌های جدید و برداشت‌های جدید.

برای این که شیوه‌ی تفکری روایت‌نگر، می‌بایست دربارهی شرایطی که به این رونق گرفتن کمک می‌کنند، به تفکر بپردازیم. همان‌طور که مولفان این کتاب یادآوری می‌کنند، داشتن زمان و مکان ضروری است. با این وجود، اغلب با کمبود این دو مواجهیم. برخورداری از یک کادر تحصیل کرده، که تحصیلاتشان باعث می‌شود، تئوری، فرآیند تفکر و اهمیت آن را به‌خوبی درک کنند، نیز لازم می‌باشد. این جانب، پیش‌گفتار حاضر را، در نیوزیلند می‌نویسم، جایی که برای برنامه استراتژیک ۱۰ ساله، برای آموزش خردسالان، هدفی بلندپروازانه برای پرسنل مدارس خردسالان، تعیین کرده است: این که تا سال 2012، همه این پرسنل باید مدرک تحصیلی «خردسالان» را اخذ کنند (یا در حال گذراندن این دوره‌ی تخصصی باشند) (وزارت آموزش و پرورش نیوزیلند، 2002). این برنامه باعث می‌شود که طرح حضور یک مربی درجه‌ی «متخصص خردسالان» در هر یک از مهدکودک‌های روزانه، که می‌بایست تا سال 2015 در انگلستان اجرا شود، ناکافی به نظر رسیده و به‌سختی به شیوه‌ی تفکری مورد نظر این کتاب، منتج شود.

متخصص تحصیل کرده‌ای که قرار است با خردسالان کار کند، باید از ویژگی‌های

۷- received wisdom یا conventional wisdom: عقایدی که عموم جامعه آن‌ها را پذیرفته و درست می‌پندارند -

به خصوصی برخوردار باشد. وی باید بتواند به راحتی با کودکان گفت و گو کند و علاوه بر آن، عدم قطعیت را پذیرفته، در حقیقت به آن ارج نهاده، و به گفته‌ی فورتوناتی، «از مغالطه قطعیت فاصله بگیرد». در این جا نیز، رینالدی به ما کمک می کند تا این خصوصیت را یک نقطه‌ی قوت قلمداد کنیم، نه یک نقطه‌ی ضعف:

[عدم قطعیت] خصوصیتی است که می توانید از خود نشان دهید و فقط یک محدودیت نیست. ولی در فرهنگی که وقتی دچار بحران یا شک و تردید می شوید، یا وقتی که اشتباه می کنید، شما را مجازات می کنند، نشان دادن این خصوصیت بسیار دردسرساز است. شما به طور واقعی باید خودتان را تغییر دهید، تا بتوانید تردید و عدم قطعیت را بشناسید. همچنین محدودیت های تان را به عنوان یک منبع، به عنوان مکانی برای مواجهه و به عنوان یک خصوصیت، شناسایی کنید. این یعنی که شما قبول می کنید، که انسان کاملی نیستید و به طور دائم در حال تغییرید و این که هویتتان از طریق مکالمه، نمایان می شود (رینالدی، 2005: 184-183).

مربی متفکر باید که حاکم شد و مشتاق به عبور از مرزها و آشنا شدن با رشته های علمی، تئوری ها و الگوهای مختلف: «فردی با ذهن کنجکاو، که رویکرد متفعلانه به دانش را نپذیرفته و ترجیح می دهد به با کمک دیگران تولید علم کند، نه این که فقط از آن [علم و دانش]، استفاده ببرد» (رینالدی، 2005: 135). مربی متفکر، همچنین باید یک پژوهشگر بوده و موضع یا نگرش خصوصی نسبت به کار و زندگی داشته باشد. وی باید یک متفکر منتقد بوده و با برخورداری از «زبان انتقاد»- اصطلاحی که الیزابت وود در فصل ۷ مطرح می کند- بتواند:

نگرش انتقادآمیز خود نسبت به چیزهایی که وارد تجربه علمی آن می شوند را مطرح سازد، تجربیاتی که می پذیریم فناپذیر، طبیعی و غیرقابل تردیدند. مربی متفکر باید بتواند، در مقابل جریان خرد متعارف، ایستاده و ساختار تجربیات افراطی را متزلزل کند (رز، 1999: 20).

به طور خلاصه، مربی متفکر می بایست، از تعدد دیدگاه های موجود آگاه بوده و بتواند از این دیدگاه ها، برای تفکر به شیوه ای متفاوت استفاده کند و (همان طور که جاناتان ریکس در فصل ۵ می گوید) مشکلات را دوباره چهارچوب بندی نماید. روی دیگر سکه، داشتن توانایی و تمایل برای زیر سوال بردن گفتارها و مباحثه های رایج و

متداول است. آن نظام‌ها و الگوهایی که درست پنداشته می‌شوند و کارهایی را که می‌توانیم یا نمی‌توانیم انجام دهیم، تعیین می‌کنند.

سایر شرایطی که به‌شیوه‌ی تفکری منتج می‌شوند، عبارتند از: روابطی که از مکالمه و گفت‌وگو، جانب‌داری سفت و سخت و تفکر انتقادی حمایت می‌کنند. طرف مقابل این روابط، سایر مربیان، کودکان و والدینی که با مهدکودک همکاری می‌کنند و «دوستان انتقادی» مانند: تکنولوژیست‌های آموزشی^۹ در شهر رجیو امیلیا (و در هر جای دیگری در شمال ایتالیا)، هستند. تکنولوژیست‌های آموزشی، متخصصان با تجربه و با صلاحیت هستند، که در مهدکودک‌های کوچک از نزدیک با مربیان همکاری می‌کنند. بدین‌وسیله تفکر درباره‌ی عملکرد را، شدت و قوت بخشند. همچنین به ابزار، از جمله ابزار مبتنی بر ساختن آموزشی، که در چند بخش این کتاب، به آن اشاره شده است، نیاز می‌باشد. مستندسازی آموزشی فرآیندی است که طی آن، عملکرد و یادگیری قابل رویت‌شده و به تفکیک، تحلیل انتقادی و گفت‌وگو، وابسته می‌گردند. مستندسازی آموزشی که هم‌اکنون در بسیاری از نقاط جهان اجرا می‌گردد، نخستین بار در ایتالیا و توسط متفکران نوآوری، همچون «ریس مالاگوتسی، مطرح شد. مالاگوتسی، اولین مدیر مراکز پیش‌دبستانی شهر رجیو امیلیا بود. مولف زندگی‌نامه‌ی وی، خاطرنشان می‌سازد، که مستندسازی آموزشی از نظر «گوتسی، «یک ابزار خارق‌العاده، برای گفت‌وگو، مشاجره و به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، شمار می‌رفت. برای مالاگوتسی، مستندسازی به‌معنای امکان بحث و گفت‌وگو «در مورد همه‌چیز و با همه‌کس» بود... به‌معنای بحث درباره‌ی چیزهای واقعی و محسوس، نه فقط گفت‌وگو، درباره‌ی حرف‌ها و تئوری‌ها» (اوجولوس^{۱۰}، ۷: ۲۰۰۴).

شیوه‌ی تفکری، چه اهدافی را می‌تواند برآورده سازد؟ جواب این است: بسیاری از اهداف که همگی‌شان دارای اهمیتند. همان‌طور که برخی از مولفان این کتاب یادآوری می‌کنند، شیوه‌ی تفکری، بخش لاینفکی از پیشرفت حرفه‌ای مستمر است. مستندسازی آموزشی آموزش‌مقدماتی ضروری می‌باشد. شیوه مذکور، فرد را قادر می‌سازد که برداشت عمیق‌تری از آموزش و سایر فعالیت‌های مراکز نگه‌داری از خردسالان داشته باشد (البته این امر می‌تواند در مورد مدارس و خدماتی که به کودکان و نوجوانان ارایه می‌شود، نیز صادق باشد). از این‌رو، شیوه‌ی تفکری از برنامه‌ریزی و پیشرفت کارهای آموزشی

۹- pedagogista: تکنولوژیست آموزشی، یک متخصص خردسالان است که پرسنل کودکان را راهنمایی نموده و بحث‌های گروهی میان مربیان و والدین را مدیریت می‌کند- مترجم.

در آینده، حمایت می‌کند: این شیوه، مرز بین تئوری، عمل و پژوهش را کم‌رنگ می‌سازد. شیوهی تفکری که با مستندسازی آموزشی مرتبط است، نقش مهمی در رویکرد مشارکتی به ارزیابی، شناخت ارزیابی به‌عنوان یک فرآیند مفهوم‌سازی گروهی و قضاوت‌های ارزشی دموکراتیک^{۱۱}، ایفا می‌کند (دالبرگ و همکاران، ۲۰۰۷). شیوهی تفکری از این طریق و از روش‌های دیگر، به تبدیل شدن کودکانها به نخستین و مهم‌ترین مکان‌هایی که شیوه‌های اخلاقی و دموکراتیک - نه تکنیکی - را اجرا کرده و فرصت‌هایی را برای بحث، «درباره‌ی همه‌چیز و با همه‌کس» فراهم می‌کنند، کمک بنمایی می‌نماید (دالبرگ و ماس، ۲۰۰۵).

خوب بود اگر «همه»، از جمله مدیران، سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران، از طریق مستندسازی آموزشی، در فرآیند تفکر درباره‌ی عملکرد، مشارکت می‌کردند. در این صورت، میان مربیان که هر روزه با کودکان و خانواده‌های‌شان سر و کار دارند و آن‌هایی که قدرت تصمیم‌گیری و سیاسی را در دست داشته و نیز برای تصمیم‌گیری، به شاخص‌های انتزاعی استناد می‌کنند، اغلب از «مفاهیم واقعی و غیرانتزاعی» استفاده نمی‌کنند، جدایی رخ نمی‌داد.

شیوهی تفکری، از قابلیت‌های بر خورار بوده، ولی درعین حال خطراتی را نیز به دنبال دارد. همان‌طور که فوکو^{۱۲} به یادآوری می‌کند، «هر چیزی خطرناک است» - حتی (و شاید خصوصاً) اعمال خیرخواهانه که توسط افراد نیک‌اندیش، انجام می‌شوند. یک خطر بزرگ، همان‌طور که الیزابت وود می‌نویسد، این است که «امکان دارد، تعبیر و برداشت محدودی از شیوهی تفکری شود و این می‌تواند وسیله‌ای برای اطمینان یافتن از این که معلمان و مربیان، برنامه آموزشی را «پیاده‌کرد» - به‌نتایج آموزشی تعیین شده دست می‌بندد، به‌شمار رود». در این‌جا خطر این است که شیوه تفکری، تبدیل به «تکنولوژی انسانی» دیگری برای کنترل مربیان کودکانها - به‌عبارت دقیق‌تر، برای کنترل خود از طریق نوعی از شیوهی تفکری که مطابقت فرم‌های آموزشی خارجی را ارزیابی می‌کند، شود.

از نظر رینالدی (۲۰۰۵)، احتمال از دست دادن کنترل، نتیجه‌ی نهایی یک خطر است. باین‌وجود، وی اصرار دارد، که احتمال دیدن و درک کردن دنیا، به‌شیوه‌ای

۱۱- judgment of value: قضاوت ارزشی نوعی ارزیابی است، که بیشتر ارزش‌های فرد را آشکار می‌سازد، تا آنچه که مورد ارزیابی قرار گرفته است. هرگاه در ارزیابی پدیده‌ها، نظرات شخصی، عقاید و ارزش‌های خود را دخالت دهیم و پدیده جهان واقع را از ابعاد ذهنی و ارزشی بسنجیم، به قضاوت ارزشی پرداخته‌ایم - مترجم.

متفاوت نیز وجود دارد. همین بیش از پیش باعث می‌شود، که به‌عنوان بخشی از یک گروه و عضوی از یک جامعه همفکر، به‌شیوه‌ی تفکری، روی آوریم.

«توسعه‌ی شیوه‌ی تفکری در کودکانها»، آرمان مهمی است. ولی همان‌طور که گفته‌ام و همان‌طور که مولفان این کتاب اثبات خواهند کرد، توسعه‌ی شیوه‌ی تفکری چیزی فراتر از افزودن تکنولوژی، برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده است. در این شیوه، برداشتها، کیفیت‌ها و ارزش‌های به‌خصوصی، در نظر گرفته می‌شوند. توسعه‌ی شیوه‌ی تفکری به‌شرایط خاصی نیاز دارد؛ از آموزش نیروی کاری حرفه‌ای تا فراهم کردن زمان، برای تفکر درباره‌ی عملکرد، در زندگی روزمره. جهت توسعه‌ی شیوه‌ی تفکری، می‌بایست از روش‌های اخلاقی که بین شخص و دیگران ارتباط برقرار می‌کند استفاده کرد. روش‌هایی مانند مکالمه، گوش دادن محترمانه و دموکراتیک، استقبال از تفاوت و تکرار. شیوه‌ی تفکری، سفری طولانی و پرفراز و نشیب است؛ که پایان روشن و مشخصی ندارد، ولی راهی است که ارزش پیمودن را دارد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از مربیان و کارورزانی که با مطالعات و فعالیت‌های‌شان، ما را در تالیف این کتاب یاری کردند، کارورزانی که خیلی‌های‌شان از دانشجویانمان هستند، تشکر می‌نماییم. همچنین مراتب سپاسگزاری خود را از کلیه کودکان‌هایی که از کارهای تحقیقاتی‌مان، استقبال کردند - از کودکان گرفته تا والدین و مربیان - اعلام نموده و از همکارانمان در دانشگاه‌های این اکستر و خارج از این دو دانشگاه، که با فعالیت‌های‌شان در زمینه‌ی پیشرفت نظریه و عملی، به تکمیل این کتاب کمک کردند، تشکر می‌نماییم. برخی از این همکاران، خود را مولفان کتاب حاضر هستند. از فیونا ریچمن، از انتشارات دانشگاه اپن، نیز بابت تالیف این کتاب، سپاسگزاری می‌کنیم.

آلس بیچ - اسمیت، دانشگاه اپن
آنا گراف - اسمیت، دانشگاه‌های اکستر و اپن،
ژانویه 2017